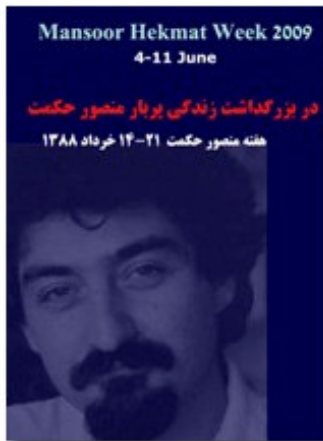


## مصاحبه منصور حکمت با رادیو انترناسیونال درباره انتخابات (۱۷ دیماه ۱۳۷۸)

توضیح:



با توجه به فرارسیدن هفته بزرگداشت منصور حکمت و همزمانی آن با مساله انتخابات ریاست جمهوری، مصاحبه رادیو انترناسیونال با منصور حکمت در سال ۷۸ درباره انتخابات مجلس شورای اسلامی را در این شماره اکتبر می آوریم. در اینجا اساس مساله انتخابات است و تفاوتی بین انتخابات برای مجلس اسلامی و یا انتخاب رییس جمهوری نیست. مطلب زیر بطور کلی جمهوری اسلامی و عدم مشروعیتش را توضیح میدهد که برای طبقه کارگر و مردم ایران درس و تجربه ای گرانبها است.

ص ۳

### "انتخابات" و شکاف بیشتر ناسیونالیستها چرا مردم نباید در این نمایشات شرکت کنند؟

اسد گلچینی

آنچه که نزد همه مخالفان رژیم اسلامی محرز شده، این مساله مهم است که "انتخابات" رئیس جمهوری در ایران انتخابات نیست. نمایشی بسیار درد آور و تحقیر کننده برای اکثریت مردم ایران است، بردن برده ها به امضای بردگی تا چند سال دیگر است و به این دلیل است که ما همه مردم شرافتمند و آگاه را از رفتن به پای صندوق های رای برحذر میداریم.

در کردستان بسیاری از مخالفان رژیم ظاهرا بر این توافق دارند. اما چرا برخی جریانات و بویژه جبهه متحد کرد، سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، و خیل "تاریک فکران" ناسیونالیست پیرو آنان، میخواهند آنچه که خود در پی آن هستند و آرزو دارند، یعنی منافع زمینی شان که از این راه تامین میشود را در دامن مردم بگذارند؟

ص ۴

### در صفحات دیگر

- اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست  
پاسخ به زندانی کردن و آزار بستگانمان، سازماندهی مبارزه و قدرتمند کردن حزب است  
ص ۵
- مضحکه انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در ایران  
(صالح سرداری، محمد راستی، عبدالله دارابی)  
ص ۶
- در مضحکه انتخاباتی شرکت نکنید  
ابراهیم باتمانی  
ص ۶

# اکتبر ۲۱

نشریه کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۷ خرداد ۸۸ (۲۸ مه ۲۰۰۹)

سردبیر: رضا دانش  
Rz.Danesh@gmail.com

### بیانیه دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
مضحکه انتخابات و لشکر شکست  
خوردگان اپوزیسیون در کنار رژیم و علیه  
مطالبات مردم!

مردم!

مضحکه انتخابات رئیس جمهوری در راه است. این واقعیت که انتخاب مردم رفتن جمهوری اسلامی است بر کسی پوشیده نیست. این را در اعتراض هر روزه در خیابان و کارخانه و دانشگاه و محله، در جنگ و جدال کارگر و زن و جوان این مملکت با مزدوران نظم حاکم میتوان دید. جمهوری اسلامی هیچوقت برای ما مردم مشروعیتی نداشته است تا امروز پای انتخاب یکی از مهره های آن برویم. شما بیش از هرکسی میدانید و دیده و تجربه کرده اید که تمامی سرداران ارتجاع، خامنه ای یا خاتمی، رفسنجانی یا احمدی نژاد و موسوی و کروبی و رضایی هر تفاوتی که بین خودشان و در جنگ و دعوای خانگی خودشان داشته باشند، رو به شما جز فقر، محرومیت و سرکوب، کلامی برای گفتن ندارند. دشمنان مردم هر گفتمانی در میان خود داشته باشند تنها گفتمانشان با شما، تباهی است. تنها گفتمانشان با مراسم روز کارگر شما، حمله و دستگیری است، تنها گفتمانشان با خواستهای انسانی برابری زن و مرد، دستجات حمله به زنان و تعرض به جوانان است. تنها گفتمانشان با دانشجویان زندان و شکنجه است.



## آزادی برابری حکومت کارگری



تنها گفتمان‌شان با کارگران نپرداختن دستمزد و محرومیت از حق تشکل و اعتصاب است.

اما مضحکه انتخابات این دوره هم مانند دوره های قبل میدانی شده است تا طیفی از احزاب، جریانات و محافل مختلف ارتجاع بورژوازی از پوزیسیون تا اپوزیسیون بار دیگر بر سر خواست و مطالبات خود به نام مردم علیه مردم با سران جنایتکار جمهوری اسلامی چانه بزنند و تلاش کنند مردم را پای صندوقهای رای بکشانند. این بار نیز لشکری از شکست خوردگان در جبهه اپوزیسیون به بن بست خورده، زیر پوشش مطالبه مردم و به وکالت شما به میدان آمده اند تا به نام شما و بر شانه های شما، یکی از سرداران ارتجاع را به کرسی ریاست ماشین سرکوب بنشانند. اینها هیچ وقت مخالفتشان با جمهوری اسلامی حتی زمانی که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی بوده اند، نه از سر مخالفت با فقر و محرومیت کارگر و مردم ستمدیده این جامعه، نه از سر خلاصی فرهنگی نسل جوان و امنیت و آسایش و آزادی و برابری برای مردم و نه از سر مقابله با استبداد و دفاع از آزادی بیان و تشکل و تحزب، که از سر سهیم شدن خود و به بازی گرفته شدن در قدرت بوده است. این عوامفریبان بیشم برای دفاع از دشمنان، برای مشروعیت دادن به حاکمیت ارتجاع، برای ممانعت از تلاش شما برای به زیر کشیدن دستگاه سرکوب و اختناق تلاش میکنند با " طرح مطالبه" شما را پای صندوقهای رای بکشانند.

نباید اجازه داد این مراسم و مضحکه بنام شما و تحت نام انتخابات شما، برگزار شود. کمترین انتخاب و اولین گزینش ما، رفتن جمهوری اسلامی و "نه" به جملگی دارودسته های ارتجاع در حکومت یا در اپوزیسیون، است. باید تمام طرفداران ارتجاع اسلامی و شخصیت هایشان را، تمام محافلی که امروز علیه مردم به خط شده اند را افشا کرد. از دفتر تحکیم وحدت که همیشه بخشی از جمهوری اسلامی بوده است، تا حزب دمکرات کردستان که همیشه آماده ساخت و پاخت با رژیم اسلامی بوده و امروز علنا به کروی سمپاتی نشان میدهد، از تحرک "همگرایی در جنبش زنان" و مشروطه خواهانی چون

تلاشهای مذبحخانه محافل و جریانات مختلف در دفاع از مهره های جمهوری اسلامی و برای کشاندن مردم پای صندوقهای رای، قبل از هر چیز جایگاه و ظرفیت این جریانات در دشمنی با آزادی و رفاه مردم را عیان خواهد کرد. بی شک افشا و منزوی کردن تمام این مرتجعین بخشی از تلاش ما برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و برپایی آزادی و برابری در ایران است.

حزب حکمتیست برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی با اتکا به نیروی جنبش طبقه کارگر و مردم آزادیخواه تلاش میکند. حزب حکمتیست به استقبال مبارزات برابری طلبانه طبقه کارگر و مردم مبارز علیه تمامیت جمهوری اسلامی می رود و در این راه و در دفاع از آزادی مردم ایران همه جریانات مدافع جمهوری اسلامی، همه مجیزگویان و کاسه لیسان آنها و هر کس که به هر بهانه ای به ماندگاری جمهوری اسلامی خدمت کند را افشا میکند.

**مرگ بر جمهوری اسلامی**  
**زنده باد سوسیالیسم**

**دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری**  
**ایران- حکمتیست**  
ششم خرداد ۱۳۸۸ - ۲۷ مه ۲۰۰۹  
\*\*\*

**مردم!**

نباید اجازه داد این دوستان دروغین مردم، بازار دو خرداد دیگری را به نام شما، گرم کنند و برای جمهوری اسلامی عمر بخرند. باید در مقابل تقالی ارتجاعی تمام احزاب، شخصیت ها و نیروهای سیاسی که بنام شما و مطالبات شما، صحنه گردان نمایش مضحکه انتخاباتی شده اند، محکم ایستاد و آنها را افشا و منزوی کرد.

مردم ایران خاطرات بیعتها و بندوبستهای کثیف محافل و جریانات مختلف اپوزیسیون ملی اسلامی با خمینی که منجر به شکست خونین انقلابشان توسط ارتجاع اسلامی شد را فراموش نکرده اند. مردم ایران بهای پادویی مجاهدین و جریانات ناسیونال اسلامی از بنی صدر را با کشتار دهها هزار انسان شریف و آزاده توسط رژیم، پرداخته اند. مردم لیبیک گفتنهای حزب دمکرات کردستان به خمینی را بخاطر سپرده اند و بعنوان نقطه مقابل ایستادگی انقلابی توده های کارگر و زحمتکش کردستان در برابر جمهوری اسلامی ثبت کرده اند. مردم دوران اسلام میانه رو "پرزیدنت" رفسنجانی و دوره اصلاحات خاتمی و تبلیغات طیف طرفدار رژیم را تجربه کرده اند.

**آدرسهای تماس علنی**

دبیر کمیته کردستان  
اسد گلچینی

[agolchini@yahoo.com](mailto:agolchini@yahoo.com)

مسئول روابط عمومی کمیته کردستان:  
اسماعیل ویسی  
[esmail.waisi@gmail.com](mailto:esmail.waisi@gmail.com)

**مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی**

## مصاحبه منصور حکمت با رادیو انترناسیونال درباره انتخابات (۱۷ دیماه ۱۳۷۸)

رادیو انترناسیونال: انتخابات مجلس به مهمترین مساله سیاسی برای جمهوری اسلامی بدل شده است. دعوای جناح‌ها در آستانه این انتخابات بشدت بالا گرفته است، و تلاش‌های رهبران جمهوری اسلامی برای کاهش این اختلافات و یا جمع کردن آن از جلوی صحنه و راندن آن به پشت پرده نتیجه‌چندانی نداد. از نظر رژیم این انتخابات حکم یک "ازمایش تاریخی" مهم را دارد. بنظر شما نقش سیاسی این انتخابات در زندگی مردم چیست؟ و شیوه برخورد مردم به انتخابات آتی مجلس چگونه باید باشد؟

منصور حکمت: اجازه بدهید در فرصت کمی که هست فقط چند نکته را خلاصه ذکر کنم و رد شوم. اولاً اسم این انتخابات است، ولی بطور واقعی انتخابات نیست. یک مضحکه است. نه فقط بخش اعظم مردم حق شرکت بعنوان کاندید را در آن ندارند، احزاب سیاسی متعدد غیرقانونی هستند، مخالفین حکومت اسلامی حق فعالیت ندارند، حتی روزنامه‌های مخالف در بین خودشان دارند بسته میشوند، بلکه از درون خود محافل حکومتی هم هر کدامشان دارد سعی میکند صلاحیت دیگری را لغو اعلام کند. این یک انتخابات نیست. چه رسد به یک انتخابات آزاد. این یک معامله و بند و بست درون جناح‌های حکومت است برای تعیین ترکیب مجلس آتی. گذاشتن اسم انتخابات روی این، اهانت به هر نوع انتخابات است، حتی با معیارهای جوامع نیمچه دموکراتیک امروز. ثانیاً، آنچه مسلم است رای مردم، یعنی رای‌هایی که در صندوق‌ها خواهد افتاد، تکلیف انتخابات را تعیین نخواهد کرد. این رای چه بسا حتی شمرده نمیشود. به آن رای ارجاع نمیشود. نتیجه انتخابات، ترکیب آینده مجلس محصول دو روند اصلی است:

۱- روندی که در آن صلاحیت همدیگر را سلب میکنند، یعنی ممانعت از کاندید شدن جناح مختلف، کاندیدهای جناح‌های مختلف و رقابتی که بر سر این وجود دارد تا حدودی سرنوشت ترکیب مجلس بعدی را تعیین میکند

۲- معامله و بند و بست میان جناح‌ها در دل دوره پیش از انتخابات برای تعیین اینکه چه کسانی میتوانند به مجلس راه پیدا کنند. به این اعتبار روز انتخابات روز مهمی نیست. اما از حالا تا انتخابات برای تعیین سرنوشت مجلس مهم است ولی روز خود انتخابات روز مهمی نیست و آن رای‌ها شمرده نمیشود و روز انتخابات تکلیف مجلس از قبل تعیین شده است.

از نظر مردم، شرکت در این انتخابات، یعنی شرکت در رای‌گیری، پوچ و بی‌معناست، و باید تحریم شود. نه فقط این رای بی‌بهره است، بلکه حتی اگر شمرده میشد، انتخاب بین بد و بدتر هم نبود، انتخاب بین بدتر و بدتر بود. هیچکدام از این جناح‌ها صلاحیت حکومت در ایران را ندارند. هیچکدام از این جناح‌ها نیست که رگه‌ای از دفاع از منافع مردم داشته باشد. برعکس، بخش‌های یک حکومت سرکوبگر در ایران هستند، ستون‌های جمهوری اسلامی هستند که کلاً مورد اعتراض مردم است.

اگر بنا باشد انتخابی جلوی مردم قرار بگیرد، یک انتخاب واقعی میتواند این سوال باشد که جمهوری اسلامی را میخواهید یا نه؟ و من مطمئن هستم که ۹۹ درصد مردم رای میدهند که جمهوری اسلامی را نمیخواهیم. در نتیجه این انتخابات در چهارچوب یک شرایط اختناق آمیز و در دل یک سرکوب دارد صورت میگیرد و مردم نباید بهیچوجه با رای دادن به این یا آن کاندید رنگ مشروعیت به آنچه که دارد اتفاق میافتد، بزنند. ولی این به این معنی نیست که مردم در روند این دوره انتخاباتی شرکت نکنند. برعکس، بنظر ما، در حزب کمونیست کارگری، حیاتی است که مردم در فضای انتخاباتی‌ای که وجود دارد، در این جو باصطلاح "مبارزه انتخاباتی"، بیشترین اعتراض، تظاهرات، و اعتراض سیاسی را انجام دهند. و دقیقاً همین دامنه اعتراضات مردم در این فاصله است که حتی سرنوشت آن ترکیب مجلس را هم تعیین میکند. کسانی هستند که به مردم توصیه میکنند به جناح خوش‌خنده

حکومت رای بدهند، و به جناح احموی آن رای ندهند، چون خاتمی شانس دارد و غیره.

واقعیت این است که حتی چرخیدن توازن قوای درونی جناح‌ها در مجلس آتی به این سمت تابعی از این است که مردم بروند و در این صحنه به کلیت رژیم اعتراض کنند. اگر بنا باشد مردم بروند به خاتمی و نمایندگان طرفدار خاتمی رای بدهند، رفته‌اند به زندانبانان خودشان و جلادان خودشان رای داده‌اند. راه درست اینست که مردم در این فاصله، از الان تا روز انتخابات، بیشترین دخالت اعتراضی را در صحنه سیاسی ایران بکنند، حرف مستقل خودشان را بزنند، حق خودشان را بخواهند و به هر دو جناح فشار بیاورند و اعتراض کنند و کلیت رژیم را زیر سوال ببرند. و روز انتخابات با عدم شرکت در رای‌گیری دشمنی و بی‌زاری‌شان را از این رژیم به نمایش بگذارند. همانطور که گفتیم انتخاب واقعی مردم اینست که جمهوری اسلامی را نمیخواهند و اینها هیچوقت این سوال را جلوی مردم نمیگذارند.

در غیاب رفتن جمهوری اسلامی، در غیاب خلاصی از کل جمهوری اسلامی، هر انتخابات و هر روند انتخاباتی در جمهوری اسلامی روندی است برای مشروعیت دادن به جمهوری اسلامی و این یا آن جناح آن و مردم نباید در آن شرکت کنند.

فراخوان ما اینست که بیشترین حضور در صحنه را از الان بویژه تا روز انتخابات را باید داشت. چون این میتواند کاملاً بر تناسب قوای حکومت تأثیر بگذارد، میتواند کاملاً دست‌پاچه‌شان کند، میتواند تمام جناح‌ها را به عقب نشینی در مقابل مردم وادارد.

این روند دو تا جناح و دو طرف ندارد، سه طرف دارد. دو جناح حکومت و مردم که در مقابل کل اینها هستند. و مردم باید از موضع مستقل خود علیه دو جناح، علیه حکومت به میدان بیایند.

### منصور حکمت

نشریه انترناسیونال شماره ۳۲

بهم ۱۳۷۸ - ژانویه ۲۰۰۰

# نه قومی ، نه مذهبی ، زنده باد هویت انسانی

## "انتخابات"

### و شکاف بیشتر ناسیونالیستها

... اگر انتخاباتی آزاد در کار نیست پس جریانات و اشخاصی که خود آگاهانه به پای صندوق ها میروند و مردم را فرا میخوانند رای بدهند، نامی غیر از طرفداران رژیم به آنها نمیتوان گذاشت. این را باید یکبار برای همیشه تثبیت کرد. خیل روشنفکران طبقه سرمایه دار و مدافعان آنها جز این دسته اند، مهم نیست شغلشان چیست، تاجر و نماینده مجلس باشند و یا استاد و کارمند و روزنامه نگار یا کارگر و معلم. اینها چه فردی و چه جمعی، چه با تشکل هایشان و چه لیست کردن آنها در طومار ها، در این ردیفند. اینها پادو های رژیم حاکمند. توجیهی که آنها برای این عمل شنیعشان دارند و بسیاری را ممکن است فریب بدهند و یا بسیاری جریانات هم جنبشی را از مخالفت با خودشان خلع سلاح کرده باشند این است که اولاً آنها "کرد" هستند، ثانیاً میخواهند با این کار به کاندید هایی رای بدهند که به "مساله کرد توجه دارند" و یا "رای دادنشان راهی برای تضعیف احمدی نژاد" خواهد بود، ثالثاً آنها در داخل هستند و همین به آنها مجوز اتخاذ راهی جز این سیاست را نمیدهد. اینها منفعت واقعی و طبقاتی خودشان را و منفعت واقعی جنبششان را دارند دنبال میکنند. همه چیز از این قطب نما و از منفعت جیب هایشان در میآید.

جنبش ناسیونالیستی یک بار دیگر دارد نمایندگان تیز بین و هوشیارش را از دیگر جریاناتی که با به خود پیچیدن های بسیار و یکی بعد از دیگری "تحریم و بایکوت" را برگزیدند بیشتر جدا میکند. شکافی واقعی بر سر مساله "انتخابات" در این جنبش ایجاد شده است. هر چه بخشهای ملیتانت تر آن است (غیر از پژاک) به تحریم روی آورده است و هر چه بخشهای داخلی آنها (همراه با پژاک) و جریانات و اشخاصی که همیشه ضمیمه و بخشی از رژیم بوده اند، همیشه سراغ راه حل رژیمی مساله کرد رفته اند. حزب دمکرات کردستان که در تایید شیخ کروبوی\* پیش قدم شد و تنها جریانی از میان احزاب ناسیونالیست بود که با اینها همصدا است. البته برای حزبی با داعیه هر اندازه حق طلبی و آزادیخواهی با هر تعریفی، باید خیلی شرم آور باشد که خودش را دمکرات بخواند و اینگونه خود را به جریانات

طرفدار شرکت در "انتخابات" وصل کند، هر چند همانطور که اشاره شد این دقیقاً از سر تشخیص درست در منفعت طبقاتی و جنبشی مشترکی است که داده شده است و در همین رابطه است که آقای حسن زاده بدرست میگویند که "این که به مردم گفته میشود که در انتخابات شرکت کنند چیز تازه ای نیست، در انتخابات دوره پنجم رئیس جمهوری و انتخابات نمایندگان مجلس ششم، حزب دمکرات شرکت داشته است و مردم هم نفع برده اند".

به مساله تحریم بر میگردیم اما باید پرسید کدام بخش از مردم نفع برده اند؟ چرا ما کمونستها و اکثریت مردم کارگر و زحمتکش و دانشجویان و زنان و معلمان و ... در کردستان این منفعت را نمی بینیم؟ اتفاقی نیست که آقای حسن زاده و جماعت طرفدار شرکت در "انتخابات" این را می بینند. برآستی اطلاعیه کارگران شرکت واحد در مورد این مضحکه زبان حال همه محرومان است و پاسخ دقیقی به آقای حسن زاده و همه این جنبش ناسیونالیستی است که میگویند:

" امروزه برای کارگران و خانواده هایشان تشویق به شرکت در انتخابات یکی از بی معنا ترین بحث های موجود می باشد چرا که کارگران در سه دهه گذشته، تمام روسای جمهور از دوره جنگ و دوره سازندگی و دوره اصلاحات و هم چنین رئیس جمهور مهرورز را تجربه کرده اند. " این را دیگر ما حکمتیستهای "بی ربط به جامعه" و "دور از واقعیت های جامعه" نمی گوئیم. این راهی است که مردم باید در بر بگیرند و راه حل مشکل مردم برای رای دادن و رای ندان همین است که این کارگران میگویند.

### واقعیت تحریم و بایکوت

آقای حسن زاده بدرست تعجب میکنند که چرا مخالفینشان (که بیشتر منظور شاخه دیگر حزب دمکرات است) دارند به آنها که آماده شده اند که زیر عبای کروبوی در "انتخابات" شرکت کنند خرده میگیرند، و یاد آوری کرده اند که در انتخابات های دیگر هم شرکت داشته اند و آنزمان با هم بودند و هنوز حزب دمکرات دو شاخه نشده بود. و یا اتفاقی نیست که آقای خالد عزیزی سخنگوی حزب دمکرات کردستان میگویند که " کلا اگر ما این انتخابات را تحریم بکنیم یا نه، باید جایگاه کرد کاملاً معلوم باشد" (به گشتی پیمان وایه چ ئەم هه‌ئێزار دنانه‌ ته‌حریم بکه‌مین و چ نه‌یکه‌مین، ده‌ئێ قورسایێ کورد دیار بێ...) و مساله

بروشنی این است که فرق زیادی بین این سیاست های تحریم و بایکوت، با شرکت در این "انتخابات" دیده نمیشود چرا که در واقع تحریم کردن خود بیشتر بر این پایه استوار است که وجود انتخابات در جمهوری اسلامی را فرض گرفته اند و هر بار بنا به دلایلی آنرا تحریم و یا بایکوت میکنند و از این نظر است که آقای حسن زاده از این "جنجالی" که حول موضعشان شده است برآشفته است و یا اینکه خالد عزیزی راه را برای باز گشت به تحریم هموار میکند. پشت کردن به "انتخابات" و تحریم و یا طرفداری از آن برای این احزاب و جنبش زیاد فرقی ندارد و به همین دلیل است که رفت و برگشت به آن ساده است و همانطور که میبینیم جای تعجب هم دارد وقتی در این باره از آنها ایرادی گرفته میشود.

سیاست درستی که ما همواره بر آن تاکید کرده ایم این است که این نمایشات را برآستی هیچگاه نباید به نام انتخابات اسم گذاری کرد چرا که مساله تحریم همیشه برای اتخاذ کنندگانش همراه با توهم است و برای هم جنبشی ها و نیروهای هم که در داخل هستند کاملاً مساله ای باز! باز تا آنجایی که اکنون طرفداران پر و پا قرص "انتخابات" در شهرهای کردستان که همه خود را هم ناسیونالیست میدانند و هستند، هیچ ابایی از این ندارند که در مشروعیت دادن به رژیم اسلامی بیشترین "مبارزه" را انجام بدهند و لاید سر بلند هم هستند که از میان ۴ دلقک انتخابی از طرف شورای نگهبان قانون اساسی و ولایت فقیه، و با پرونده ای ۳۰ ساله از سرکوب و اعدام و جنایت همراه با فقر و فلاکت و بیکاری به یکی از آنها رای میدهند که باز هم در، بر همان پاشنه بچرخد.

-----

\* آقای جهانگیری از حزب دمکرات دلیلی در رد بحث من در مورد اینکه، حزب ایشان با سرعت بیانیه کروبوی را قاپید و آنرا مثبت خواند و شجاعت این شیخ را ستود، نیاورده است. "پانیک" حزب دمکرات در مورد برنامه مثبت کروبوی و شجاعتش روی دستشان مانده است. اینها در عالم سیاست یعنی رفتن به کمپ شیخ. اما آقای جهانگیری ایراد گرفته اند که چرا کروبوی را آیت اله خوانده ام؟! بی مناسبت نیست که اشاره کنم کروبوی هر چه باشد آیت اله یا حجت الاسلام و یا شیخ، اما آقا نیست واقعا. و در همه بیانیه شما آگاهانه حتی اسم کامل و واقعی این آدم شجاع را هم نمیتوانید ببرید، **ادامه در ص ۶**

## اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست پاسخ به زندانی کردن و آزار بستگانمان، سازماندهی مبارزه و قدرتمند کردن حزب است

"با بروید از اینجا یا فرزندانان دست از فعالیت باید بکشند"،  
"به برادر یا خواهرت بگو دست از فعالیت بردارد"  
"شما نمیتوانید به سفر بروید تا زمانی که فرزندانان فعالیت میکنند"،  
"شما نمیتوانید..."  
"شما اجازه ندارید..."

اینها جملاتی است که مسئولین اطلاعات رژیم در شهرهای کردستان به خانواده های فعالین سیاسی، فعالین اجتماعی و مبارزین عرصه های مبارزه بر علیه وضعیت موجود به انحاء مختلف میگویند. اینها بخشی از سیاستهای فاشیستی رژیم اسلامی در همه دوران های حیات نگینش بوده است که بر علیه فعالین احزاب، در شهرها و در خارج کشور بکار برده میشود.

چند ماهی است که بطور سیستماتیک تعدادی از خانواده کادرهای کمیته کردستان حزب حکمتیست در کردستان تحت فشار دایمی اطلاعات رژیم قرار دارند. بخشی از رفقای ما در خارج کشور نیز از طرق ارتباط تلفنی مسئولین اطلاعات در معرض این فشار قرار گرفته اند.

در شهرهای سنندج، مریوان مهاباد، بانه و دیواندره این اتفاق افتاده است. و برخی از رفقای ما در کشورهای سوئد، انگلستان، فنلاند، ترکیه و عراق در معرض این تهدیدها قرار گرفته اند.

هر چه حزب ما متحد تر و منسجم تر عمل میکند این فشارها افزایش میابد و رژیم در تازه ترین اقدام دست به عمل کثیف زندانی کردن تعدادی از بستگان رفقای ما کرده است و از آنها میخواهد که: یا بفرستید فرزندانان برگردند، به آنها بگویید دست از فعالیت بردارند، فعالیت نکنند، اگر نه، شما هم بروید پیش آنها یا دیگر فرزندانان را بفرستید بیرون! وقاحت و بی شرمی! برای جنایتکاران فاشیستی که با زور سرنیزه و زندان و اعدام خود را بر مردم مبارز و ستمدیده تحمیل کرده اند و زندگی، کار، رفاه و آزادی را از آنها منع کرده اند. باید تکرار کنیم که این شما هستید که رفتنی خواهید بود!

انجام این اعمال کثیف، به قدمت عمر رژیم در کردستان است. حدود ۳۰ سال است ما با این موضوع روبرو هستیم.

اطلاعات رژیم با همه توان میخواهد این مردم شریف و آزادیخواه را به زانو در آورد، زندانی اش را به زانو در آورد، مخالفش را در هم بشکند و تبعید کند، زندانی کند و اخراج از کشور به اشکال مختلف را انجام بدهد، پاپوش دوزی های مختلف، منتسب کردن به حزب های در حال فعالیت و شایعه راه انداختن،

جنگ روانی و تفرقه در میان زندانیان و مبارزین و با ایجاد بدبینی در میان آنها نسبت بهم و ... داستان زندگی بخش قابل توجهی از مردم مبارز ماست. بسیاری از کارگران و دانشجویان مبارز مرتباً در معرض پاپوش دوزی اطلاعات رژیم هستند. اینها کاملاً نخ نما شده اند. اسناد و پرونده های موجود در این باره باید به عنوان بخشی از کیفر خواست همه ما بر پرونده سراسر جنایت رژیم اسلامی افزوده شود.

این پرونده قطوری است که باید فعال شود. از زمانی که مادران و پدران ما را تبعید و زندانی میکردند، برادران و خواهرانمان را محروم از همه مسایل اجتماعی میکردند و حتی فامیلهای درجه چندم را به دلیل تشابه در شهرت، محروم از دانشگاه و کار میکردند، حدود سه دهه میگذرد. بخش زیادی از مردم در کردستان هنوز از رنج و مصیبتی که از این طرق هم متحمل شدند رنج میبرند.

وجود این ترفندها و عکس العمل مردم مبارز بخشی از مبارزه همیشگی همه فعالین سیاسی و خانواده هایشان در کردستان بوده است. این امر جدیدی نیست. باید متوجه بود که این بخشی از جنگ رژیم بر علیه فعالیت متشکل و بویژه فعالیت متشکل ما کمونیستهاست که میدانند میخواهیم نه تنها مبارزه را تبلیغ کنیم بلکه میخواهیم آنرا وسیعاً سازمان بدهیم و رژیم برای حفظ نظامش با همه توان بر علیه ماست. مبارزه متشکل و حزبی ما موثرترین اسلحه ماست. ما مصمم به سازماندهی کمیته های کمونیستی هستیم و ما مصمم به سازماندهی و نیروی ملیتات و مسلح بر علیه رژیم هستیم، و میدانند ما از عهده اینها بر آمده ایم.

حرکات رژیم ادامه همین جنگی است که بر علیه کارگران و دانشجویان بویژه در دو سال گذشته ادامه داده است و میدانند هر نوع فعالیت متشکل آنها برای رژیم و نظامش سم است. رژیم با نیروی بزرگی به این جنگ آمده است. سر و صدای زیادی ندارد و البته خود آنها اجازه نمیدهند کسی این را افشا کند و بسیاری اوقات خانواده ها را تهدید میکنند که نباید جایی این را بگویند. یک سر این جنگ در زندانهاست و بازوهای وحشی با فلج کردن و در هم شکستن زندانی باید دنبال کنند و سر دیگر آن تمام توطئه ها و ترفندها بر علیه فعالین سیاسی و محرومیت از کار و زندگی و فشار بر خانواده و وابستگانشان است. این جنگ وسیعاً در کردستان در جریان است و بعضاً تعدادی از رفقای ما که در خارج کشور هم هستند را در بر گرفته است، مامورین اطلاعات با تماس های تلفنی به خارج کشور و تهدید خانواده ها در ایران میخواهند که ما فعالیت مان بر علیه آنها را متوقف کنیم و یا از

کار حزبی دست بکشیم، و هر پاسخی لابد بر اندازه شدت رفتار آنها بر خانواده هایمان تأثیر دارد. اینها بخشی از فعالیت گسترده رژیم بر علیه حزب ما و مردم ستمدیده است.

سرکوب و خفقان برای این است که کسی بر علیه وضعیت موجود فعالیت متشکل انجام ندهد، حزبی وجود نداشته باشد و کسی نتواند تشکلی برپا کند. اما چه بیهوده است آقایان! مردم ستمدیده در کردستان و در هر تک خانواده ای نسل اندر نسل و لحظه به لحظه شرایطی را که حافظش میباشید را هر روز حداقل یکبار نفرین میکنند. اینجا کمونیست و دیگر گرایشهای حزب دارد و عمیقاً در میان مردم ریشه دارند و در همه میدانهای نبرد کار و زندگیشان میجنگند. اگر هر وجب شهر و روستاهای کردستان را ملیتاریزه کنید و نیروهای جنایتکار اطلاعاتتان به جان مردم بیفتند و مزدوران بسیج را عامل تشدید خفقان کنید باز هم از دست مردمی که در زندگی و کار مشترکشان با هم میتوانند متحد شوند راه فراری ندارید. هیچگاه قادر به سرکوب ما نخواهید شد. درگیری مردم و نیرو و توانشان بر سر همه شئون زندگی بر علیه شماسست و نیرویمان اینجاست و نسل اندر نسل تا بر انداختن شما و بساطتان خواهیم جنگید.

آنچه ما و همه مردم مبارز و بستگان ما باید بدانند این است که رژیم اسلامی و اطلاعاتش ظاهراً این اعمال را از سر قدرت انجام میدهند اما واقعیت باید چیز دیگری باشد که به این اعمال دست میزنند، ترسی همیشگی آنها را محاصره کرده است و این نیروی بزرگ اعتراض مردم ستمدیده است که بر سر نان و آزادی میتواند بساطشان را بهم بریزد. فشارها و تهدیدها و زندانی کردنهای کنونی به این مساله مربوط است. افتخار بزرگ ما و هزاران هزار خانواده عزیز و مبارز در کردستان این است که در این صف انسانیت قرار دارند و خوشبختانه در کردستان همیشه بسیار وسیع بوده است. این اعمال را هم باید با مقاومت و هشیاری در هم شکست.

این قضیه بدون تردید گریبان گیر همه فعالین سیاسی در تبعید است، همه احزاب با آن در گیر هستند و اطلاع دهی و هشدار ما برای اطلاع عموم و هشیاری بیشتر در برابر این ترفندها و اعمال فاشیستی است. بدون تردید بسیاری فعالیتهای دیگر اطلاعات هست که باید در جهت خدمت به بالا رفتن هشیاری عمومی در میان فعالین سیاسی و مردم مبارز داده شود. ما به سهم خود این تلاش را خواهیم کرد و دست همه مبارزین را در خنثی کردن فعالیتهای رژیم میفشاریم.

۴ خرداد ۱۳۸۸

۲۵ مه ۲۰۰۹

## مضحکه انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در ایران

( صالح سرداری، محمد راستی، عبدالله دارابی )

کارگران، مردم آزادیخواه مریوان!

همانطور که انتظار می رفت سرانجام چهارمرد مسلمان مرتجع متعصب برای سر در آوردن از صندوق های رای توسط شورای نگهبان رژیم تایید شدند. همه و از جمله خود رژیم میدانند که این نمایش ریاکارانه با هیچ معیار انتخاباتی در دنیا کوچکترین قربانی ندارد. یا وجود آن، این بار هم برای متوهم کردن مردم همه دستگاه های تبلیغاتی رژیم و رسانه های ارتباط جمعی آن، تا وکیل و وزیر و آخوند و ارتجاع و... بکار افتاده اند تا مردم را به پای صندوق های رای بکشانند.

آیا: ۳۰ سال نداری و محرومیت، ارباب و وحشت و کشتار جمعی، اعدام کردن، سنگسار، زن ستیزی و زندگی زیر خط فقر در ارتجاعی ترین نظام اجتماعی در ایران کافی نیست تا این رژیم مبتنی بر ترس و فقر یکبار برای همیشه از اریکه قدرت کنار کشیده شود و بجای آن حکومتی مبتنی بر آزادی، برابری و خوشبختی مردم جایگزین آن گردد؟ بی شک پاسخ این سوال، برای سردمداران رژیم و سرمایه دارانی که سرنوشت خود را به حفظ و بقای وضع موجود گره زده اند منفی است. چون در ایران امروز، هیچ تحرکت و تغییری را پیدا نمی کنید که مهر دو طبقه اصلی جامعه (کارگران و سرمایه داران) بر آن حک نشده باشد. به همین خاطر، مضحکه انتخابات این دوره را باید از این زاویه دید و به آن پرداخت. در همین رابطه چند هفته پیش دو مهره جنایت پیشه رژیم، کروی و موسوی، برای (اقلیت های قومی) بیانیته صادر میکنند و رهبرشان هم با دادن اجازه اذان سنی در تلویزیون استان، بعضی از احزاب و گروه های ناسیونالیست چون حزب دمکرات و پژاک و "جبهه متحد کرد و انجمن حقوق بشرکرد" را وسوسه می کند و بدینوسیله آنها را به سمت دفاع از مضحکه انتخابات و تقویت رژیم ضد انسانی سوق میدهند. با توجه به آن جا دارد کارگران و مردم انقلابی مریوان همراه با سایر مردم ایران و کردستان ضمن مبارزه قاطع و بی امان خود برای سرنگون کردن رژیم اسلامی، آشکار تر از هر دوره به افشای ماهیت سرمایه دارانه و ارتجاعی این احزاب و گروه های ناسیونالیستی و مذهبی در کردستان نیز بپردازند و اجازه ندهند این جریانات بعنوان قیم مردم کردستان، از کانال انتخابات هم با جانین حاکم بر ایران وارد سازش و معامله شوند و سرنوشت میلیونها انسان شریف و آزاده را دستمایه منافع سرمایه دارانه خود قرار دهند. این احزاب و جریانات ناسیونالیستی، بخاطر ضدیت وافرشان با طبقه کارگر کرد، حاضرند از هر فرصت ممکن برای تقویت این رژیم جنایتکار استفاده کنند تا با جلب توجه آنان، راه را برای شریک شدن در قدرت و تقسیم سهم با آنان هموار سازند.

جوانان آزادیخواه مریوان، مانند سایر کارگران و جوانان انقلابی در سراسر ایران، وظیفه خود میدانند مضحکه انتخابات را به صحنه اعتراض و مبارزه علیه کل موجودیت رژیم تبدیل کنند. بایستی هر چه جدی تر علیه مضحکه انتخابات ایستاد و از هر امکاتی علیه آن استفاده نمود و بر در دیوار شهر نوشت: این مضحکه ربطی به زندگی مردم ندارد. سپس دکه های تبلیغاتی را بر چید و این روز را به روز سیاه ای برای مزدوران رژیم تبدیل کرد و کسانی را که برای شرکت در این مضحکه تبلیغ میکنند افشا و رسوا نمود.

مرگ بر جمهوری اسلامی

### مردم آگاه و مبارز کامیاران د مضحکه انتخاباتی شرکت نکنید

ابراهیم باتمانی (شیروانه)

همانگونه که اطلاع دارید، نمایش انتخاباتی رژیم جمهوری اسلامی برای تعیین یکی دیگر از عاملان نابودی و تباهی جامعه ایران در راه است. جمهوری اسلامی که در ۳۰ سال گذشته با مقاومت و مبارزه ما روبرو بوده است، ناچار شده مهره های جدید با شعارهایی مانند « احیا حقوق اقلیتهای قومی و مذهبی» و وعده های توخالی به معرکه انتخاباتی بیاورد. هر کدام از کاندیداها از صندوق جادوی انتخاباتی بیرون بیاید، تغییری در زندگی ما مردم زحمتکش بوجود نمی آید و تنها زندان، قتل، اعتیاد، فحشا، بیکاری و جنایت را برایمان به ارمغان می آورد. اینها عاملان فلاکت، اعدام، سنگسار و خشونت در جامعه اند و کوچکترین ربطی به خواسته های انسانی ما، رفاه و امنیت و آسایش و آزادی و برابری ندارند.

این مضحکه در شرایطی برگزار می شود که جریانات ارتجاعی و ناسیونالیست بی ربط به خوشبختی انسانها در پوشش اسامی فریبنده و ریاکارانه به استقبال انتخابات می روند. همه می دانیم که کمترین خواسته اکثریت مردم در ۳۰ سال گذشته برآورده نشده و جمهوری اسلامی و مدافعانش فقط به فکر حاکمیت خود بر مردم و سرکوب اعتراضات و خواسته های ما هستند و پشتیبانی مزدوران و کاسه لیسهای طرفدار فساد و تباهی همچون "جبهه متحد کرد" و "سازمان دفاع از حقوق بشر کرد" و مرتجعینی که این روزها مردم را به رای دادن به تحکیم جمهوری اسلامی فرامیخوانند، تغییری در اراده و روحیه مبارزه جویانه انسانهای تشنه آزادی و برابری نمی دهد و بیش از پیش صفوف ما را در برچیدن این نظام ضد بشری باید متحدتر سازد.

این نمایش فرصتی دوباره برای اعتراض علیه موجودیت این نظام است. بهترین راه مقابله با این مضحکه تکراری برچیدن و کوبیدن صندوق ها بر سر طرفداران آن و رژیم است. از هر فرصتی و به هر شیوه ای که می توانید برای بر هم زدن این نمایش استفاده کنید و جریانات بی ربط به سعادت و خوشبختی را رسوا سازید. بدون شک برچیدن بساط جهل و جنایت در ایران تنها با حضور فعال و گسترده ما امکان پذیر است.

درود بر مردم مبارز کامیاران و حومه، مرگ بر جمهوری اسلامی

۴ خرداد ۸۸ (۲۵ مه ۲۰۰۹)

ادامه ص ۴

خوب من اگر درجه و مقام ایشان را در تخصصی که دارند بالا برده ام! شما که نمیخواهید یکبار هم بگویید حجت الاسلام کروی و یا شیخ کروی. میدانید چرا؟ چون حتی نمیتوانید صفوف خودتان را کاملاً قانع کنید که باز هم دنبال گمشده ای سرگردانید و این عبای حجت الاسلام شجاعی است که پیدا شده است، همانطور که زمانی حزب شما به خمینی هم لبیک گفت. اینها را نباید از قلم انداخت و مهمتر اینکه با این طفره رفتن ها نمیتوان جواب قانع کننده برای رفیق بغل دستیتان هم داشته باشید.

۷ خرداد ۱۳۸۸